



بررسی رئالیسم در سبک عراقی

شراره الهامی^۱، دنیا کاکه خانی^۲

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۲- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

چکیده

واقعیت، بنیادی‌ترین اصطلاح مکتب رئالیسم در قرن نوزدهم است که آن را ادبیات حقیقت و واقعیت دانسته‌اند، و چون دسترس به پندار و اندیشه‌های هر مکتب یا سخنوری را جز در بطن آثار آن نمی‌توان جست، از این رو لازم است به تحلیل و واکاوی این کلمه بنیادی در مکتب رئالیسم پردازیم و از آنجا که بحث واقعیت در ادبیات فارسی سابقه‌ی طولانی دارد، لازم است برای تبیین و تصریح آن در فلسفه نیز باید جستاری داشت و سپس به بررسی آن در ادبیات فارسی و آثار بزرگان سبک عراقی پرداخت، چون اینگونه به نظر می‌رسد در کنار ویژگی‌های مکتب رومانتیسم جلوه‌هایی از رئالیسم نیز در آثار این دوره وجود دارد که از نظر فکری حائز اهمیت است. در این مقاله به صورت تحلیلی - توصیفی و با روش کتابخانه‌ای کوشیده‌ایم ابتدا به بررسی رئال (واقعیت) در فلسفه و سپس در ادبیات رئالیستی پردازیم و در ادامه تصویر روشنی از واقعیت‌نگری در سبک عراقی ارائه دهیم در پایان این نتیجه به دست خواهد آمد که واقعیت به معنای واقع کلمه که در مکتب رئالیسم وجود دارد، در سبک عراقی با واقع‌گرایی نمود یافته است و همچنین در ادبیات فارسی قدمتی طولانی‌تر از ادبیات رئالیستی غرب دارد.

واژگان کلیدی: رئالیسم، واقعیت و فلسفه، ادبیات رئالیستی، واقع‌گرایی، سبک عراقی.